

حمید حاج اسماعیلی، فعال کارگری
در گفت و گو با «تعالد»:

اظهارات وزیر کار
در تضاد با قانون است

صفحه ۸

نیاز اقتصاد ایران

ترکیب افزایش قیمت و کاهش قدرت خرید
افراد را به سمت خرید کالای ارزان تر سوق می دهد

گرایش متقاضیان
به لپ تاپ دست دوم

صفحه ۶

«تعالد» بررسی می کند؛ دلار با بازار خودرو چه کرد؟

شوک به بازار خودروهای چینی

بکشند. از سوی دیگر برخی از فعالان بازار خودرو به این نکته اشاره می کنند که برخی از خریداران با کاهش قیمت دلار به امید کاهشی شدن قیمت خودرو دست از خرید

هزار تومان را یکی از دلایل افت قیمت در بازار می دانند و معتقدند روند کاهشی قیمت دلار موجب شده تا متقاضیان خرید به امید کاهش بیشتر دست از خرید

تعالد | بازار خودروهای داخلی و خارجی نسبت به روزهای گذشته نزولی گزارش می شود. فعالان بازار خودرو کاهشی شدن نرخ دلار و عقب گرد آن از کانال ۶۰

محسنی اژه ای: دو وزیر سابق، معاون وزیر و سرپرست برخی نهادها احضار، تحقیق شده و تفهیم اتهام شدند

گزارش قاضی القضاات

۴۵ نفر در رابطه با چای دبی تفهیم اتهام شده اند

محکومیت یک وزیر سابق به سه سال حبس



گزارش تفریغ بودجه سال ۱۴۰۱ پایتخت
بدون حضور زاکانی قرائت شد

آشفته گی مالی در شهرداری تهران

امانی: ۴۱ همت از بودجه ۹۱ همتی شهرداری تهران بی حسابرسی است

داری شد. با وجود این، پس از ارایه ادله موافقان و مخالفان در این باره، در نهایت این گزارش قرائت و بررسی شد. به باور برخی از اعضای شورای شهر تهران، این گزارش نشان از سیطره ه آشفتگی بر مناسبات مالی شهرداری است و ابهامات متعددی در این زمینه وجود دارد. **صفحه ۵ را بخوانید**

وعده های جدید خاندوزی
از بانک های ناتراز تا جذب سرمایه جدید

نقدینگی از مرز بحران خارج شد

تا پایان دولت سیزدهم در دسترس نخواهد بود. در شرایطی که نرخ تورم در برابر کاهش بیشتر مقاومت می کند، دولت تلاش کرده تا با مطرح کردن این موضوع که کار روی مبانی و مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران ادامه دارد، این جور را به وجود بیاورد که نرخ نقدینگی به عنوان یکی از اصلی ترین چالش های تورمی کشور، با سرعت کمتری رشد پیدا کرده و نداوم این... **صفحه ۲ را بخوانید**

یادداشت -۴-

بورس دستور کار نیست

اگر به اتفاقات بازار و اقتصاد نگاهی داشته باشیم خیلی واضح و شفاف باید بیان کرد این دولت به دنبال رونق بورس نیست و اصلا برایش مهم هم نیست و صرفا شعارهای انتخاباتی صرفا وعده بوده و نباید دلخوش به این بازار بود.



نوید ربیایی

سیاست های انقباضی به شدت ترین شکل ممکن پیشروی می کند. نرخ تورم در بالاترین سطح است و جایی که نزول در آن جولان دهد تولید باید دست به سینه گوشه ای بنشیند و منتظر گذر زمان باشد. از طرف دیگر اگر نگاهی به بازار سهام داشته باشیم شکل دهی روند و جریان کاملاً دست سهامداران خارج است و بازار ساز را می توان راننده اتوبوس در نظر گرفت که مسافری یعنی سهامداران با وی همراه هستند و بعضی مسافران زود پیاده می شوند و بعضی دیگر ترجیح می دهند سبکی های مسیر را بپذیرند و تا هدف نهایی در این اتوبوس باشند، اما به این نکته توجه کنید که مسافرین نمی توانند فرمان را در دست بگیرند تا جهت دهی داشته باشند پس آنچه در نزول یا صعود بازار شاهد هستیم خارج از قدرت پول مردم است و مناسبات باید بیان کرد این واقعیت تلخی است. در حال حاضر سهام با توجه به میزان فروش و سودی کاهش داشتند در جایگاه بسیار عالی است اما مردم ترس دارند. اینکه دولت با رشد دلار بازار آزاد ناگزیر به رشد دلار نیست، استدلالی است که فعالان بازار سرمایه به این امید بستند و معتقدند با افزایش این نرخ بازار نیز در مسیر رشد قرار می گیرد. البته در این مدت نشانه هایی نیز از این حرکت افزایشی مشاهده شده و دلار نیمادر سیری ملایم اکنون به ۴۱ هزار و ۸۰۰ تومان رسیده است. امید بستن به این عامل نیز بیهوده است، چرا که آن رشد مورد نظر فعالان تحقق نخواهد یافت. دولت دلار نیما را هم نظر نمی دهد، چون سیاست انقباضی است. بورسی هادر نظر دارند که دلار نیما بشود ۵۰ هزار تومان؛ اما باید گفت دولت خیلی خواهد افزایش بدهد ۴-۳ درصد دلار نیما بالا می برد نه ۱۰ درصد که رقم مورد انتظار فعالان بازار محقق خواهد شد.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت -۳-

زمین رایگان دولتی و اجاره های نجومی

۱- یک راه مهم، ارایه سیستم های حمایتی و کمکی به مستاجران و خانواده های فاقد مسکن است. تمام آنچه دولت اسم آن را وام ودیعه مسکن با نرخ های سود بالا گذاشته است، ذیل این نوع کمک ها قرار می گیرند. نرخ بهره ودیعه مسکن در ایران حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد است. این نرخ بهره برای خرید مسکن و وام خرید مسکن بسیار بالا تر است. این که نرخ سود بانکی در عرف جهانی حدود ۱ تا ۵ درصد است، اما در ایران به صورت شاور بین ۲۵ تا ۳۵ درصد است. اینکه باید توجه نرخ اعلام شده توسط بانک ها، بر خلاف گذشته روی متوسط بازده پول وام گیرنده نیست، بلکه محاسبه آن در کل پول دست آوردن یک مسکن حداقلی چه هفت خوانی را باید پشت سر گذاشته و چه التهاب و استرسی را تحمل کنند. تورم است. هیچ کشوری را در سطح جهان نمی توان پیدا کرد که طی بیش از ۴۵ دهه به طور میانگین نرخ تورم بالای ۲۰ تا ۳۰ درصدی را تجربه کرده باشد، اما در ایران چنین تورم مستمری تجربه شده است. گرانی اجارهبهار ایران هر سال رخ می دهد و هر سال مبنی بر کاهش ارزش پول ملی و تورم فرزند، نرخ مسکن اجاره ای هم بالا می رود. اگر اجارهبهار انداز نرخ تورمی که بانک مرکزی منتشر می کند (و معمولاً کمتر از واقعیت است) افزایش پیدا کند، صاحبان واحدهای اجاره ای حتی نمی توانند هزینه استهلاک واحد مسکونی را نیز با آن پوشش دهند. در چنین شرایطی دولت اعلام کرده: «میزان افزایش اجارهبهار در کلانشهر ها باید سال قبل ۵ درصد بوده است. بنابراین صاحبان واحدهای اجاره ای نرخ اجارهبهار حداقل ۵۰ درصد افزایش می دهند. از سوی دیگر نرخ ارز و طلا به صورت مستمر به نسبت مشابه تادوماه قبل حدود ۲۵ تا ۴۰ درصد بالا رفته است. طبیعی است که صاحب مسکن اجاره ای هم تلاش می کند تا نرخ واحد خود را متناسب با این گزارش های اقتصادی تعیین کند. با این توضیحات پرسش آن است که برای مقابله با این وضعیت نابلسان چه باید کرد؟



عباس اکبرپور

بر اساس ساله با آغاز خردادماه، معادله ای در فضای عمومی کشور با عنوان معضل مسکن اجاره ای شکل می گیرد که بیش از نیمی از ایرانیان را درگیر می سازد. کاش وزرا، نمایندگان و مدیران کل، این روزها به صورت ناشناس سری به مشاوران املاک در شهر ها و کلانشهر ها بزنند تا متوجه شوند، مردان و زنان ایرانی و سرپرستان خانوار ها برای به دست آوردن یک مسکن حداقلی چه هفت خوانی را باید پشت سر گذاشته و چه التهاب و استرسی را تحمل کنند. اما برای بررسی این مشکل ابتدا باید ریشه های بروز آن را بررسی و سپس راهکار هایی برای برون رفت از این مشکل ارایه کرد. به طور کلی مشکل مسکن اجاره ای ناشی از یک مشکل بنیادین در اقتصاد ایران است و آن رشد فرایزنده تورم است. هیچ کشوری را در سطح جهان نمی توان پیدا کرد که طی بیش از ۴۵ دهه به طور میانگین نرخ تورم بالای ۲۰ تا ۳۰ درصدی را تجربه کرده باشد، اما در ایران چنین تورم مستمری تجربه شده است. گرانی اجارهبهار ایران هر سال رخ می دهد و هر سال مبنی بر کاهش ارزش پول ملی و تورم فرزند، نرخ مسکن اجاره ای هم بالا می رود. اگر اجارهبهار انداز نرخ تورمی که بانک مرکزی منتشر می کند (و معمولاً کمتر از واقعیت است) افزایش پیدا کند، صاحبان واحدهای اجاره ای حتی نمی توانند هزینه استهلاک واحد مسکونی را نیز با آن پوشش دهند. در چنین شرایطی دولت اعلام کرده: «میزان افزایش اجارهبهار در کلانشهر ها باید سال قبل ۵ درصد بوده است. بنابراین صاحبان واحدهای اجاره ای نرخ اجارهبهار حداقل ۵۰ درصد افزایش می دهند. از سوی دیگر نرخ ارز و طلا به صورت مستمر به نسبت مشابه تادوماه قبل حدود ۲۵ تا ۴۰ درصد بالا رفته است. طبیعی است که صاحب مسکن اجاره ای هم تلاش می کند تا نرخ واحد خود را متناسب با این گزارش های اقتصادی تعیین کند. با این توضیحات پرسش آن است که برای مقابله با این وضعیت نابلسان چه باید کرد؟

ادامه در صفحه ۶

یادداشت -۲-

بازبینی در فضای کسب و کار

تعدد سامانه های یکساز از دغدغه های فعالان اقتصادی است که برای بهبود رتبه ایران در شاخص جدید بانک جهانی در حوزه کسب و کار با عنوان آمادگی کسب و کار (Business Ready) لازم است که سهولت فرآیند کسب و کار مورد بازبینی قرار گیرد. در حال حاضر سامانه های متعددی در این حوزه فعال هستند که در عمل باعث موزاری کاری دارند و همین مساله موجب پیچیدگی بیشتر فرآیندهای کسب و کار شده است. تعدد سامانه ها مشکلات زیادی از جمله فقدان طبقه بندی، نبود راهنمای مناسب، عدم یکپارچگی، موزاری کاری و... ایجاد کرده است که ضروری است در این خصوص فکری شود. هدف از امانداری و به کار گیری سامانه ها سهولت کسب و کار، افزایش تمکین به قانون و کاهش اعمال سلیقه و نیروی انسانی بوده که این اهداف محقق نشده و بدتر اینکه افزایش تعداد سامانه ها افزایش نیروی انسانی را نیز به دنبال داشته است. هر نوع عملی که نوعی رفتار غیر مترقبه از دولت و دیگر مجموعه های حاکمیتی است را می توان مصداقی از مدیریت ناشایسته متغیر های کلان اقتصادی در نظر گرفت. این رفتار ها امکان پیش بینی پذیری را از بین می برد و به نوبه خود، سهم قابل توجهی در ایجاد زمینه های بروز خطا و تخلف دارد. وقتی نرخ بهره در مدت زمانی خاص به طور چشم گیری نسبت به نرخ تورم کاهش پیدا می کند، یا تحولاتی در نرخ ارز رخ می دهد که در یک بازه زمانی مشخص غیر قابل قبول است، زمینه های بروز خطا و اشتباه و تخلف در کشور تقویت می شود. تولید کنندگانی داریم که هزینه های اولیه را برای امانداری و پیشرفت کسب و کار انجام داده، به نقطه توسعه کسب و کار رسیده و به تریز تقویت منابع تکمیلی نیاز دارند اما چون این منابع در دسترس نیست، در وضعیت خطرناکی قرار می گیرند و برای نجات کسب و کار مجبور است به اسب های دیگری تکیه بدهند و به روش های نامعقولی روی بیاورد تا به هر ترتیب، حیات بنگاه ادامه پیدا کند.



حسن فروزان فرد

معاملات حسن دارد، نخست اینکه اگر درآمدهای تصادفی ایجاد شود، دولت می تواند از این نوع درآمدها، مالیات اخذ کند. دومین ویژگی این نوع شفاف سازی ها آن است که دیگر فرد یا جریانی نمی تواند در بازار ها اختلال ایجاد کند. پرسش مهم آن است که آیا راهکار دیگری برای جلوگیری از اختلال در بازار ها وجود ندارد؟ پرسش مهم بعدی آن است که چرا یک چنین وضعی در اقتصاد ایران ایجاد می شود؟ آیا اگر نرخ ارز در ایران یکساز سازی شده بود، آیا کسی به دنبال سوداگری اگر بازار ارز می رفت؟ اگر نرخ تورم در اقتصاد ایران یک رقمی و مثلاً زیر ۵ درصد بود، افراد برای جبران کاهش ارزش پول ملی، دست به سوداگری و خرید ارز و سکه و طلا و خودرو می زدند؟ بنابراین موضوع را از دو بعد باید بررسی کرد. ۱- سیستم ریشه های چنین معاملات و سوداگری هایی باید از میان برد تا مردم ناچار نباشند برای حفظ ارزش پول خود به سمت سوداگری سوق پیدا کنند. ۲- افرادی که از طریق نوسانات بازار های ثروت های هنگفتی پیدا می کنند، حداقل مالیات رویگردهای سوداگرانه خود را پرداخت کنند. اما به نظر می رسد دولت از نقطه مناسبی این شفاف سازی ها را آغاز نکرده است. مثلاً در ماجرای ثبت اطلاعات صنف طلا فروشان، دولت تلاش کرد تا طلا فروشان را وادار کند تا ابتدا موجودی کامل طلای خود را اعلام کرده و پس از آن هم با جزئیات اعلام کنند از چه کسی طلا خریده و به فرد یا افرادی طلا فروخته اند! این رویکرد مردم و اصناف را انگران ساخته که این روند موجب شناسایی خریداران و فروشندگان شود و باعث ایجاد خطر برای آنها شود. یعنی این اطلاعات به هر نحوی از نهادهای مسوول خارج شده در اختیار گروه های تبهکار قرار بگیرد و آنها را در معرض دزدی و سرقت قرار دهد. باید دوباره به ریشه های اقتصادی بازگردیم. اقتصاد ایران اگر اقتصاد سالم و شفافیتی بود این اندازه صندوق های امانات بانکی این اندازه رونق نداشت. واقع آن است که مردم پولشان را بدل به طلا و ارز و سایر اوراق بهادار کرده اند. سپس برای اینکه نمی توانند آنها را در خانه نگهدارند، سراغ صندوق های امانات بانک ها می روند. اما چرا اقتصاد ایران به یک چنین نقطه ای رسیده است؟ علت اصلی آن وجود ناطمینیاتی در اقتصاد، کودتورمی و بدتر از همه کاهش ارزش پول ملی طی سال های متمادی است که مردم را ناچار می کند به سمت سوداگری ها، ثبت و شفاف سازی این ناطمینات است. ثبت

یادداشت -۱-

نااطمینیاتی در اقتصاد ایران

بحث های مرتبط با مالیات بر عایدی سرمایه این روزها بازخوردهای بسیاری در فضای عمومی کشور پیدا کرده است. در آخرین نمونه از این موضوعات، صنف طلا فروشان کشور نسبت به برخی برخوردهای غیر مترعارف در خصوص انتشار اطلاعات خدنه اتفاقات بسیاری را مطرح کردند. اما چرا اجرای این طرح در ایران با این میزان مشکل مواجه شده است؟ برای تحلیل این موضوع لازم است، جزئیات مالیات بر عایدی سرمایه در ایران مورد بررسی قرار بگیرد. مالیات بر عایدی سرمایه ظاهراً با ۴ قلم کالا تعلق می گیرد: نخست در یافت مالیات از آپارتمان ها و اموالی که می توان ذیل عناوین سر قفلی ها دسته بندی کرد. دوم دریافت مالیات از خودرو (سوم) اخذ مالیات از طلا (چه طلای تزئینی و چه سکه طلا) چهارم) و نهایتاً خرید و فروش ارز هم در گروه مالیات بر عایدی سرمایه قرار می گیرد. در جهان امروز و در کشور های توسعه یافته اگر فردی بخواهد بیشتر از سقف خاصی (برخی کشور ها ۵ هزار دلار و برخی دیگر از کشور ها تا ۱۰ هزار دلار) پول در بانک سپرده گذاری کند، حتماً باید منشأ پول خود را اعلام کند، فلسفه این پرس و جو ها هم مرتبط با قوانین پولشویی است. با هر گونه نقل و انتقالات پولی باید منشأ پول هم مشخص شود. این روند در اقتصاد ایران، مورد توجه قرار نگرفته است، بگذریم که در سال های اخیر سقف و کفی برای نقل و انتقالات پولی در نظر گرفته شده و افراد در محدوده خاصی می توانند انتقال وجه داشته باشند. بنابراین، اصل موضوع دریافت مالیات از عایدی سرمایه، کار درستی است، چرا که یکی از مسائل جدی در اقتصاد ایران، سوداگری است. گاهی اوقات یک فرد در ایران طی یک روز می تواند صدها هزاران قطعه سکه طلا بفرشد یا خریداری کند و از این راه اختلالات جدی در بازار سکه و طلا ایجاد کند. همین مکانیسم در ماجرای خرید و فروش ارز، خودرو یا مسکن هم مشاهده می شود. یعنی افرادی که پول دارند بدون شفافیت، می توانند به بازار های مختلف ورود کرده و بازار را دچار نوسان کنند. راهکار های جلوگیری از این نوع سوداگری ها، ثبت و شفاف سازی این ناطمینات است. ثبت



هادی حق شناس

بحث های مرتبط با مالیات بر عایدی سرمایه این روزها بازخوردهای بسیاری در فضای عمومی کشور پیدا کرده است. در آخرین نمونه از این موضوعات، صنف طلا فروشان کشور نسبت به برخی برخوردهای غیر مترعارف در خصوص انتشار اطلاعات خدنه اتفاقات بسیاری را مطرح کردند. اما چرا اجرای این طرح در ایران با این میزان مشکل مواجه شده است؟ برای تحلیل این موضوع لازم است، جزئیات مالیات بر عایدی سرمایه در ایران مورد بررسی قرار بگیرد. مالیات بر عایدی سرمایه ظاهراً با ۴ قلم کالا تعلق می گیرد: نخست در یافت مالیات از آپارتمان ها و اموالی که می توان ذیل عناوین سر قفلی ها دسته بندی کرد. دوم دریافت مالیات از خودرو (سوم) اخذ مالیات از طلا (چه طلای تزئینی و چه سکه طلا) چهارم) و نهایتاً خرید و فروش ارز هم در گروه مالیات بر عایدی سرمایه قرار می گیرد. در جهان امروز و در کشور های توسعه یافته اگر فردی بخواهد بیشتر از سقف خاصی (برخی کشور ها ۵ هزار دلار و برخی دیگر از کشور ها تا ۱۰ هزار دلار) پول در بانک سپرده گذاری کند، حتماً باید منشأ پول خود را اعلام کند، فلسفه این پرس و جو ها هم مرتبط با قوانین پولشویی است. با هر گونه نقل و انتقالات پولی باید منشأ پول هم مشخص شود. این روند در اقتصاد ایران، مورد توجه قرار نگرفته است، بگذریم که در سال های اخیر سقف و کفی برای نقل و انتقالات پولی در نظر گرفته شده و افراد در محدوده خاصی می توانند انتقال وجه داشته باشند. بنابراین، اصل موضوع دریافت مالیات از عایدی سرمایه، کار درستی است، چرا که یکی از مسائل جدی در اقتصاد ایران، سوداگری است. گاهی اوقات یک فرد در ایران طی یک روز می تواند صدها هزاران قطعه سکه طلا بفرشد یا خریداری کند و از این راه اختلالات جدی در بازار سکه و طلا ایجاد کند. همین مکانیسم در ماجرای خرید و فروش ارز، خودرو یا مسکن هم مشاهده می شود. یعنی افرادی که پول دارند بدون شفافیت، می توانند به بازار های مختلف ورود کرده و بازار را دچار نوسان کنند. راهکار های جلوگیری از این نوع سوداگری ها، ثبت و شفاف سازی این ناطمینات است. ثبت

سامانه پیامکی روز نامه تعادل

به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می توانند نظر ها، انتقادات و پیشنهاد های خود در مورد مطالب مختلف روز نامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.